

4383

د

۱
۲۷۸
۵۶



پژوهشی در
تاریخ تفسیر

دکتر علی احمد ناصح

دانشیار دانشگاه قم

سرنشنامه	: ناصح، علی احمد، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: پژوهشی در تاریخ تفسیر / مؤلف علی احمد ناصح.
منشخصات نشر	: قم: نشر حبیب، ۱۳۹۸.
منشخصات طاهری	: ۲۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۱۷-۵۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	: -- Shiite hermeneutics - Qur'an - 20th century
موضوع	: تفاسیر شیعه -- تاریخ
موضوع	: -- History - Shiite hermeneutics - Qur'an
موضوع	: تفاسیر -- تاریخ و نقد
موضوع	: -- History and criticism - Commentaries - Qur'an
رده بندی کنگره	: BP۹۸
رده بندی دیویی	: ۲۶۱/۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۸۱۳۵۲



پژوهشی در تاریخ تفسیر

مؤلف: دکتر علی احمد ناصح

ناشر: نشر حبیب

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۸

چاپ: عترة

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۱۱۷ - ۵۱ - ۴

قم - صندوق پستی: ۷۹۱ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۳۷۷ ۳۲ ۳۶۶ - ۰۲۵



فهرست مطالب

۱۱	مقدمه.....
۱۷	معنای لغوی تفسیر.....
۲۰	تفسیر در اصطلاح:.....
۲۲	کاربرد واژه تفسیر در آیات و احادیث.....
۲۵	واژه تاویل در لغت:.....
۳۰	نسبت میان تفسیر و تاویل.....
۳۱	ترجمه قرآن و نسبت آن با تفسیر.....
۳۶	واژه ترجمه و تفاوت آن با تفسیر.....
۳۷	اقسام ترجمه:.....
۴۱	رأی آیت الله خویی.....
۴۳	نامه شیخ ازهر به رئیس الوزرای مصر درباره ترجمه قرآن.....
۴۴	فتوای علمای ازهر.....
۴۶	مخالفان ترجمه قرآن در مصر.....
۴۸	ترجمه قرآن یک رسالت است.....
۵۰	سابقه ترجمه در اسلام.....
۵۲	بررسی ترجمه های قرآن.....
۵۴	شرایط ترجمه.....
۵۶	شرایط مترجم.....
۵۶	امکان ضرورت، و ارزش و جایگاه تفسیر قرآن.....



- آغاز تدوین تفسیرهای کامل: ۲۰۹
- منابع تفسیر در عصر تابعان: ۲۰۹
۱. قرآن ۲۱۰
۲. احادیث پیامبر و اقوال صحابه ۲۱۰
۳. در نظر گرفتن اسباب النزول ۲۱۱
۴. لغت اصیل عربی فصیح ۲۱۱
۵. انواع دانش ها ۲۱۲
۶. تکیه بر اجتهاد ۲۱۳
۷. استناد به پاره ای از نصوص کتب عهدین ۲۱۳
- مفسران نامی پس از تابعان ۲۱۵
- ضحاک ۲۱۵
- شهر بن حوشب ۲۱۶
- سدى کبیر ۲۱۸
- ابن ابی نجیح ۲۱۸
- واصل بن عطاء ۲۱۹
- عطاء خراسانی ۲۱۹
- ابو نصر کلبی ۲۲۰
- ابو حمزه ثمالی ۲۲۰
- شبل بن عباد ۲۲۲
- ابن جریج ۲۲۲
- یحی بن کثیر ۲۲۳



- ۲۲۴.....مقاتل بن حیان
- ۲۲۴.....مقاتل بن سلیمان
- ۲۲۵.....معر
- ۲۲۶.....ابو جارود
- ۲۲۷.....شعبه
- ۲۲۸.....ورقاء بن عمر
- ۲۲۸.....سفیان ثوری
- ۲۲۹.....ابن عیسیٰ
- ۲۳۰.....ابن زید
- ۲۳۱.....ابو معاویه
- ۲۳۲.....سدی صغیر
- ۲۳۲.....وکیع
- ۲۳۳.....ابن کیسان اصم
- ۲۳۴.....فرّاء
- ۲۳۴.....ابومنذر کلبی
- ۲۳۴.....روح بن عباد
- ۲۳۵.....یزید بن هارون
- ۲۳۵.....صنعانی
- ۲۳۶.....فریابی
- ۲۳۷.....ابو عامر
- ۲۳۷.....ابوحذیفه

- ۲۳۷.....جَبّائی
- ۲۳۸.....عیاشی
- ۲۳۸.....ابومسلم
- ۲۳۹.....قمی
- ۲۳۹.....رّمّانی
- ۲۴۰.....طبقات مفسران
- ۲۴۶.....طبقات مفسران شیعه
- ۲۵۲.....امتیاز ویژگی خاص تفاسیر شیعه
- ۲۵۳.....۱- استفاده از اخبار و احادیث ائمه طاهرين - عليهم السلام -
- ۲۵۴.....۲. تحلیل و اجتهاد
- ۲۵۶.....فهرست منابع و مآخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بی تردید قرآن کریم، کارسازترین کتاب در سرنوشت مردم جهان بوده و هست، این کتاب به تنهایی سرنوشت مسلمانان در گذشته تأثیر ژرف داشته بلکه در فرهنگ و تمدن و سرنوشت عموم مردم جهان نیز اثرگذار بوده است، پس این کتاب به عنوان عاملی تأثیرگذار در سرنوشت جهان و نیز مهمترین سند حقانیت اسلام و معجزه ابدی آن باید کاویده می‌شد و به شرح و بسط و توضیح و تفسیر نیازمند بوده است.

این نیاز یکی از اسباب عمده پیدایش دانش تفسیر در میان مسلمانان محسوب می‌گردد. از طرفی می‌دانیم که دانش تفسیر به عنوان یکی از دانش‌هایی که در حوزه فرهنگ اسلامی به وسیله مسلمانان شکل گرفته و بنیاد نهاده شده است. همچون سایر علوم از آغاز تاکنون فرار و فرودهایی داشته و مراحل مختلفی را در ادوار گوناگون طی نموده است.

دانشمندان مسلمان همواره برای پیشبرد آن تلاش کرده و حاصل این تلاش‌ها امروز در قالب مجموعه‌های نفیس تفسیر قرآن در اختیارها است.

با مطالعه مراحل شکل گیری و سیر تطور علم تفسیر این نتیجه به دست می آید که دانش تفسیر از صدر اسلام شروع شده و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر -ص- را مبین و مفسر قرآن معرفی کرد.^۱

پیامبر -ص- به عنوان نخستین معلم و مفسر وحی در تفسیر قرآن از خود قرآن کمک می گرفت و برای حل برخی معضلات و تبیین آیات قرآنی، از دیگر آیات قرآن کمک می جست، از همین جا بود که روش تفسیر قرآن به قرآن شکل گرفت، بعد از پیامبر -ص- اهل بیت علیهم السلام و یاران آن حضرت نیز درصدد فهم قرآن برآمده و به تفسیر آن روی آوردند، آنان علاوه بر روش تفسیر قرآن به قرآن که بوسیله پیامبر -ص- پی نهاده شده بود، از روش تفسیر قرآن بوسیله سنت نیز استفاده می کردند به این شکل که گاهی با استناد به سنت پیامبر -ص- آیات قرآن را تفسیر می نمودند و چون در این مرحله بیشتر به اقوال و گفته های پیامبر -ص- استناد می شد، این روش به تفسیر روایی یا نقلی نامبردار گشت، تفسیر نقلی با توجه به محدودیت ها که لازمه آن بود از دو قالب فراتر نرفت در یک شیوه و قالب که عمدتاً مورد پذیرش مفسران شیعه است تنها به نقل روایات از معصومان -علیهم السلام- در آن بسنده شده و در قالب و شیوه دیگر که مفسران اهل سنت آن را پذیرفته و پسندیده اند علاوه بر روایات تفسیری پیامبر -ص- روایات تفسیری صحابه و تابعان نیز بر آن افزوده شده و به آن استناد شده است.

در این بین گروهی نیز بدون رعایت ضوابط و تنها براساس خواسته های شخصی یا گروهی خویش به تفسیر قرآن پرداختند و این موجب پیدایش روش

۱. و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما انزل الیهم (نحل/۴۴).

تفسیر به رأی شد که در سیره و سنت معصومین -علیهم السلام- به شدت از آن نهی شده و ممنوع اعلام گردیده است.

به تدریج در قرون بعد به لحاظ ورود و رواج اندیشه های بیگانگان در جاه به اسلامی آن روزگار، و آگاهی مسلمانان نسبت به افکار و اندیشه های دیگران از طریق ترجمه آثارشان و نیز به دلیل تاثیر و اثر پذیری متقابل فرهنگ ها از همدیگر و احساس نیاز و ضرورت های جدید روش ها و گرایش های دیگری نیز پدیدار گشت،

با رواج و گسترش مباحث فلسفی و کلامی، گرایش های تفسیری فلسفی و کلامی مختلف بوجود آمدند و هر کدام از فرق و نحله های مختلف کلامی از دیدگاه خویش به تفسیر قرآن پرداختند. اشاعره و معتزله و نیز دیگران هر کدام به نوعی درصدد برآمدند تا دیدگاه های خاص خویش را بوسیله قرآن تایید آورند و براین اساس به تفسیر پرداختند،

بوجود آمدن مذاهب مختلف، و پدیدار شدن اختلافات مذهبی و تاثیر آن در آراء فقهی، در تفسیر قرآن نیز تاثیر گزارد و از همین جا بود که روش های دیگری در تفسیر آیات نورانی وحی پدیدار شد.

کم کم عرفا و متصوفه نیز گرایش های خاص تفسیری پیدا کردند و روش تفسیر اشاری و رمزی تقریباً از قرن سوم به بعد رواج یافت. مفسران حدیث کرای شیعه و اهل سنت روش و گرایش تفسیر روایی را انتخاب کرده و به رواج آن پرداختند و در این زمینه تفاسیری چون طبری، عیاشی، قمی و طبرسی و در قرون بعد تفاسیری همچون در المنثور و البرهان و نور الثقلین پای به عرصه ظهور نهاده و پدیدار شدند،

بعد از شکل گیری تفاسیر روایی کم کم نگارش و شکل گیری تفاسیر فقهی که نوعی تفسیر موضوعی با گرایش آیات الاحکام بود آغاز گشت، در این مرحله تفاسیری چون آیات الاحکام جصاص و احکام القرآن شافعی و در قرن های بعد احکام القرآن راوندی پای به عرصه وجود نهادند

تفسیر موضوعی که امروزه یکی از کارآمدترین روش ها در تفسیر قرآن می باشد با توجه به کاستی های تفسیر ترتیبی خیلی زود جای خود را باز کرده و مورد اقبال مفسران قرار گرفت اقبال به تفسیر موضوعی قرآن در سده اخیر ریشه در کاستی های تفسیر ترتیبی و کارآمدی و توانایی تفسیر موضوعی می دارد، با کمک تفسیر موضوعی می توان معارف قرآن را به شیوه ای سامان مند و سازگار با نیازها و موضوعات بی شمار هر عصری ارائه نمود و پاسخ و راهکارها ی عملی از قرآن دریافت نمود، همان گونه که شهید صدر معتقد است این روش تنها راهی است که ما را قادر می سازد تا در مقابل موضوعات مختلف زندگی به نظریه های اساسی اسلام و قرآن دست یابیم.^۱

تفاسیر اجتهادی همانند تبیان و مجمع البیان در قرن های پنجم و ششم شکل گرفت، در این تفاسیر با استفاده از اجتهاد و عقل و تجربه گیری از حدیث و نقل، با توجه به همه جوانب شیوه جدیدی در تفسیر تبیان نهاده شد که همچنان به عنوان یکی از بهترین شیوه ها در تفسیر قرآن رواج دارد. در این روش که آمیخته ای از تفسیر نقلی و عقلی است با توجه به وسعت موضوع و دامنه گفتار در آن با سبک ها و گرایش های تفسیری زیادی روبه رو هستیم،

۱. المدرسة القرآنیة ص ۳۲ به نقل از پژوهشهای قرآنی ۶۳-۶۲ ص ۲۳۷ مقاله شبکه موضوعات

تفسیر لغوی، تفسیر ادبی، تفسیر عرفانی، تفسیر کلامی، تفسیر جامع، تفسیر فقهی، تفسیر اخلاقی و تربیتی و تفسیر اجتماعی، تفسیر علمی، و تفسیر تجربی و... از جمله این سبک ها و گرایش هايند.

در قرن حاضر نیز روش ها و گرایش هاينی جديد در تفسیر پديدار گشت و

کوتاه سخن در این باب آنکه، تفسیر قرآن سابقه ای به درازای تاریخ اسلام از صدر تاکنون دارد، و دانشمندان اسلامی هر کدام از دیدگاه خویش توان و تخصص و استعداد و دانش خود را در جهت تفسیر و تبیین این کتاب عظیم به کار گرفته اند.

ادیبان و اصحاب بلاغت از این زاویه به توضیح دقایق و ظرافتهای بکار رفته در کلمات و الفاظ نورانی قرآن پرداخته و با تبیین ارتباط تنگاتنگ میان الفاظ و معانی آیات هماهنگی و هم آغوشی کلمات و مفاهیم آن را در معرض دید همگان قرار داده و در این مسیر آثار گرانبهائی بوجود آورده اند، متکلمان و حکمای اسلامی نیز منطق و برهان را به مدد گرفته و با روش تعلی و استفاد از مبانی و قواعد فلسفی به تفسیر پرداختند و همانگونه که اشارت رفت، گریه جمعی در این زمینه به بیراهه رفته و از روی تعصبات فرقه ای و کج اندیشی دچار انحراف شده و گرفتار رأی شخصی گردیدند، ولی اندیشمندانی سخت کوش و عالمانی مخلص و وارسته با استمداد از مآثورات به تبیین امور معقول وحی پرداخته و هیچ گاه جانب حق را رها نساختند

اینان آنگاه که در مقام تبیین و فهم آیات الهی به پایان قلمرو عقل و اندیشه بشری رسیده و از درک عمیق آیات عاجز مانده و پای عقل را جهت



پیمودن این طریق لنگ دیدند، در کشف معارف بلند قرآن از معرفت شهودی استمداد جسته و با بهره گرفتن از لطایف عرفانی به کندوکاو در حقایق آن پرداختند، فقیهان و علمای اخلاق و تعلیم و تربیت نیز هر کدام به نوعی از دریای بیکران معارف قرآنی بهره گرفتند و همه اینها موجب پیدایش، شکل گیری و نیز رشد و تعالی و نمو دانش تفسیر و رقم خوردن تاریخ پر بار آن و در یک کلام موجب بوجود آمدن مجموعه های عظیم و نفیسی با محوریت کلام الهی تحت عنوان تفسیر قرآن شده است

مجموعه هایی که از حیث تعداد بسیار پرشمار و از حیث تنوع و گوناگونی بقدری زیادند که اعجاب و شگفتی هر محقق را برمی انگیزاند و کمتر کتابی می توان یافت که پیرامون آن و در توضیح و شرح و بسطش به اندازه قرآن کار پژوهشی صورت گرفته باشد، برخی آثار این نگاشته ها تفسیری را تا سه هزار دوره نیز نوشته اند^۱

مصطفی رافعی در کتاب اعجاز القرآن و البلاغة النبویه از برخی کتاب ها تراجم نقل می کند که ابا بکراد فوی (م ۳۸۸ هـ) کتاب «الاستعنا» در تفسیر قرآن را صد جلد نگاشته است و ارنست رنان، فیلسوف معروف فرانسوی، برنوشته ای در دست یافته که در آن آمده است: در یکی از کتابخانه های اندلس تفسیری آش گرفت که در ۳۰۰ جلد بود، حتی شعرانی در کتاب لطائف المنن نوشته که تفسیری را دیده که در هزار جلد بوده است.^۲

۱. اعجاز القرآن و البلاغة النبویه: ۱۲۶

۲. همان: ۱۲۷ به نقل از شناخت نامه تفاسیر: ۱۶

مجموعه ای که پیش روی شماست دربردارنده اطلاعاتی در زمینه های فوق است و ضمن نگاهی گذرا به دانش تفسیر شما را به اختصار با مهمترین کتابهای تفسیری، روش ها و مبانی و گرایشات به کار رفته در آنها و نقاط قوت و ضعف هر یک آشنا می سازد با تذکر این نکته که آنچه در اینجا گرد آورده ایم تنها بخش اندکی از مباحث قابل طرح در این عرصه فراخ است و تفصیل و بسط و نیز تکمیل آن انشاءالله در فرصتی مناسب و دفتری دیگر صورت خواهد گرفت این مقدمه را پایان برده و بحث را با تبیین واژه تفسیر و فرق آن با تاویل پی می گیریم.

معنای لغوی تفسیر

کلمه تفسیر مصدر باب تفعیل از ریشه فسر است، این کلمه هم در شکل ثلاثی مجرد و هم مزید آن فعل متعدی است و به معنای بیان کردن، توضیح دادن یک چیز و کشف و آشکار نمودن و جدا کردن و ابانه به کار می رود، با این فرق که مزید فیه آن تاکید بیشتری را نسبت به مجرد آن افاده می کند برخی طبق اشتقاق کبیر^۱ آن را مقلوب از سفر گرفته اند. این هر دو کلمه به معنای کشف به کار رفته اند و آن گونه که برخی گفته اند فرقیال در این است

۱. اشتقاق کبیر اشتقاقی را گویند که مشتق و مشتق منه در تمام حروف اصلی همانند باشند ولی در ترتیب میان حروف آنان مغایرت باشد، این اشتقاق در مقابل اشتقاق صغیر است که مشتق و مشتق منه در آن هم در شکل حروف اصلی و هم در ترتیب میان آنان مشترک و همانندند

۲. رجوع کنید به اتقان سیوطی ج ۲ ص ۴۸۹.

که فسر غالباً برای آشکار کردن معنای معقول و سفر برای آشکار نمودن اشیاء و اعیان خارجی بکار می رود

دقت در عبارات ذیل می تواند، نگاه ارباب معاجم و واژه نگاران را نسبت به این کلمه و موارد کاربرد آن نمایان سازد. در تهذیب اللغة آمده است که: «یعنی تفسیر کشف مراد گوینده از لفظ مشکل است.

راغب اصفهانی در مفردات به هنگام تبیین کاربرد دو واژه چنین آورده است: «السفر، کشف الغطاء یختص ذلک بالاعیان نحو سفر العمامه عن الرأس و الخمار عن الوجه»^۱

یعنی سفر به معنای کنار زدن پرده است و این اختصاص به اعیان و اشیاء خارجی دارد، همانند برداشتن عمامه از سر و برگرفتن نقاب از رخسار «الفسر، اظهار المعنی المعقول»^۲

فسر به معنای آشکار نمودن معنای معقول و روش نمودن مفهوم آن است و در مقدمه جامع التفاسیر می گویند: «الفسر و السفر یتقارب معناهما کتقارب لفظیهما، لکن جعل الفسر لاطهار المعنی المعقول و جعل السفر لابراز الاعیان للابصار»^۳

۱ مفردات الفاظ لفرد ماده مفرد

۲ مفردات الفاظ القرآن: ماده سفر و فسر.

۳ مقدمه جامع التفاسیر ص ۴۷

یعنی: معنای فسر و سفر به هم نزدیک است همانگونه که لطفشان نزدیک به هم می باشد، با این فرق که فسر برای آشکار کردن معنای معقول و سفر برای آشکار نمودن اعیان و اشیاء خارجی و نمایاندن آنها است.

جلال الدین سیوطی نیز در اتقان می گوید: «التفسير تفعیل من الفسر و هو البیان و الكشف و يقال هو مقلوب السفر»^۱ یعنی تفسیر بر وزن تفعیل از ریشه فسر به معنای کشف و بیان است و گفته شده که این کلمه واژگون شده و مقلوب از سفر است.

طریحی می گوید «قال اسفر وجهه اذا اضاء، و اسفر الصبح: اذا انكشف و اضاء».

یعنی، وقتی روی کسی نمایان شود می گویند اسفر وجهه و نمایان شد صبح هنگامی گفته می شود که صبح اشکار و روشن گردد.^۲ فیومی نیز چنین آورده است که «فسرت الشی (فسرا) من باب ضرب، بینته و اوضحته»

یعنی فسرت به معنای توضیح دادم و بیان نمودم می باشد.^۳ فیروز آبادی نیز می گویند: الفسر: الابانه و كشف المعطی، كالتفسير»
یعنی فسر به معنای آشکار نمودن و کنار زدن پرده است همانند تفسیر^۴

۱. الاتقان ج ۲/ ۱۷۳.

۲. مجمع البحرین، ذیل ماده سفر.

۳. المصباح المنیر، ماده فسرت.

۴. القاموس المحيط - ماده الفسر و نیز تاج العروس ذیل همین ماده